نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی
سال ۱۶، بهـار ۹۸، شماره ۵۶
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۸۶ ـ ۷۳

Scientific Journal
ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
Vol. 16, Spring 2019, No. 56
Scientific Research Article

تحلیل و بررسی سیاست‌های امام خمینی در برابر اتحاد شوروی

حسین ارجینی*
محمد علیزاده**

چکیده

اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان رقیـب آمریکـا در اسـتعمارگری جهـان سـوم در نظـام دوقطبی، همواره به دنبال نفوذ در ایـران بـود. بـه دلیـل همـین خـوی اسـتعمارطلبی شوروی، حضرت امام بر اساس اصل «نه شرقی و نه غربـی»، نسـبت بـه فعالیـت‌هـای شوروی حساسیت نشان می‌دادند. بر این اساس، مسئله تحقیق حاضر بررسی و تحلیل سیاست‌ها و مواضع امام خمینی در برابر اتحاد جماهیر شوروی است. یافته‌های تحقیق که با ابتنای بر روش توصیفی ـ تحلیلی به‌دست‌آمده است؛ حاکی از آن است که ایشان با توجه به اصل «نه شرقی، نه غربی» فرقی میان آمریکا و شوروی قائـل نبودنـد. ولـی به‌صورت مشروط، یعنی تعهد به عدم‌مداخله و رابطه بر اساس احترام متقابل منعـی در برقراری روابط نداشتند.

واژگان کلیدی

امام خمینی، سیاست خارجی، اتحاد جماهیر شوروی، اصل نه شرقی نه غربی، انقلاب اسلامی.

*. استادیار دانشگاه معارف اسلامی. arjini@maaref.ac.ir
**. گروه معارف اسلامی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. afsharisalam@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۸

طرح مسئله

اتحاد جماهیر شوروی که بعد از پیروزی در جنگ جهانی دوم تبدیل به یکی از دو قطب بزرگ جهان در قرن بیستم شده بود، به خاطر همسایگی با کشور ایران، همواره درپی ورود و اِعمال نفوذ در ایران و سطوح بالای تصمیم‌گیری در کشور بوده که چند دلیل را می‌توان برای آن ذکر کرد، از جمله نگرانی از نفوذ ایالات متحده آمریکا ـ به‌عنوان رقیب ـ در ایران و تبدیل ایران به پایگاه منطقه‌ای آمریکا، و دیگر اعمال نفوذ برای تحقق اهداف استعماری‌اش در راستای تأمین منافع بلندمدت اتحاد شوروی در منطقه خاورمیانه. در ادامه می‌توان به اشغال ایران در جریان هر دو جنگ اول و دوم جهانی نیز اشاره کرد که در جنگ دوم جهانی ـ حتی پس از جنگ ـ حاضر به تخلیه ایران نبود بلکه آن را مشروط به اعطای امتیاز نفت شمال از سوی دولت ایران به شوروی کرده بود که البته در این راه موفق نبود، و یا راه‌اندازی جریان کمونیستی حزب توده در ایران. بعد از آن هم در دوره پهلوی دوم سعی در نفوذ هرچه بیشتر در ایران داشتند که البته به‌خاطر وابستگی بیش ازحد محمدرضا شاه به غرب و آمریکا، آن‌طور که باید موفق نبودند. این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که اولاً سیاست‌های امام خمینی در برابر اتحاد شوروی چگونه بوده است؟ ثانیاً این سیاست‌ها قبل و بعد از انقلاب به چه شکلی اتخاذ شده است؟ که درواقع بررسی بُعد «نه شرقیِ» سیاست‌های حضرت امام خمینی هست. در پاسخ به این پرسش‌ها این فرضیه مطرح می‌گردد: حضرت امام خمینی به‌عنوان رهبر نهضت اسلامی ملت ایران، با علم و آگاهی از چنین سابقه شوروی و اهداف توسعه‌طلبانه‌اش در ایران ـ چه در خلال نهضت اسلامی و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ـ همواره اصل را ـ در سیاست خارجی‌اش ـ عدم وابستگی به هر کدام از این دو قطب شرق و غرب و جلوگیری از نفوذ این استعمارگران در ایران و در کل ممالک اسلامی می‌دیدند، و همواره از سیاست‌های استعمارگرایانه اتحاد شوروی ـ همانند آمریکا ـ انتقاد می‌کردند و ملت‌های مسلمان را از خطر آن آگاه می‌ساختند.

همین سیاست، تبدیل به یک اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (همان اصل «نه شرقی نه غربی» شد.

براساس بررسی‌های انجام گرفته، تاکنون اثری با عنوان مقاله حاضر منتشر نشده است. البته آثاری مانند مقاله «انقلاب اسلامی ایران، لیبرال دموکراسی غرب و فروپاشی نرم افزاری اتحاد شوروی» نوشته دکتر مصطفی ملکوتیان، محمدجواد محمدی، و مقاله‌ای با عنوان «اسطوره‌ها، الگوهای رفتاری و عملکرد شوروی نسبت به ایران و انقلاب اسلامی» نوشته ابراهیم متقی به چاپ رسیده؛ ولی همان‌طور که از عناوین آن مشخص است، بیشتر به بررسی سیاست‌های انقلاب اسلامی در قبال شوروی و یا سیاست‌ها و عملکرد شوروی نسبت به انقلاب اسلامی ایران پرداخته است و به مسئله راهبردها و سیاست‌های امام خمینی در مواجهه با رفتار شوروی نپرداخته‌اند. ازاین جهت این نوشتار به جهت بررسی سیاست‌های امام خمینی در مقابله با شوروی، از نوآوری برخوردار است.

بررسی سیاست‌ها و مواضع امام خمینی در قبال شوروی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

امام خمینی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در خلال نهضت اسلامی ملت ایران، بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش شوروی را ـ که در آن زمان یکی از قطب‌های چپاولگر جهان بود ـ مورد انتقاد و حمله قرار داده بودند و این کشور را همانند آمریکا و انگلیس، نسبت به زیاده‌خواهی‌ها و حمایت‌هایش از حکومت پهلوی، به‌شدت محکوم می‌کردند. ایشان همچنین نسبت به سیاست‌های مزدورانه و دوگانه سران کرملین واکنش نشان داده و آن را بر همگان آشکار می‌ساختند و در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب ـ هنگامی که شوروی تغییر موضع داد ـ با هوشیاری تمام، برقراری رابطه را منوط به عدم زیاده‌خواهی‌های سابق مقامات روس کردند و این دندان طمع نفوذ و غارت را از همان ابتدا کشیدند.

این گفتار در دو قسمت تدوین شده: در بخش اول به بررسی کلی فضای حاکم بر روابط رژیم پهلوی دوم با شوروی و چگونگی این روابط که منجر به موضع‌گیری‌های منفی حضرت امام نسبت به شوروی، در این مقطع حساس مبارزات تاریخی ملت ایران شده است، می‌پردازیم؛ و در بخش دوم به بررسی مواضع و سیاست‌های حضرت امام، از ابتدای راه نهضت اسلامی تا پیروزی انقلاب خواهیم پرداخت.

الف) بررسی کلی فضای حاکم بر روابط پهلوی دوم با اتحاد شوروی

دولت شوروی که بعد از سال ۱۳۳۲ و شکست حزب توده، از فعالیت آشکار یک حزب در ایران که مجری سیاست شوروی باشد، مأیوس شده بود، درصدد برآمد تا روابطش را با رژیم شاه بهبود بخشد و لذا در جهت حل اختلافات مرزی و بازپرداخت مطالبات ایران، قدم برداشت و با اینکه ایران به پیمان بغداد پیوست و روابط رو به سردی گذاشت و مخالفت و اعتراض خود را نشان داد، مع ذلک واکنش شدید و سریع مسکو را به‌همراه نداشت و روابط بازرگانی خود را با ایران افزایش داد. (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۲۷ / ۴۳) اما دیری نپایید که هجوم سرمایه‌گذاری آمریکا، تبلیغات شوروی علیه ایران را ایجاد نمود و این تبلیغات که از سال ۱۳۳۵ شروع شده بود، در سال‌های ۳۸ تا ۴۰ به اوج خود رسید. در نیمه دوم سال ۱۳۴۱ مذاکرات ایران و شوروی پایان گرفت یعنی درست در همان زمانی که نیروهای داخلی علیه رژیم به مبارزه برخاسته بودند، اختلافات رژیم حاکم ایران با شوروی بالا گرفت، درواقع دولت شوروی به‌خواست خود، در گسترش روابط بازرگانی با ایران موفق گردید، بدون اینکه حزبی در داخل کشور ما پایگاهی برای او تشکیل دهد. سفیر شوروی چند روز پس از تشکیل کابینه عَلم، با او ملاقات داشت و در شهریور ۱۳۴۱ دولت ایران یادداشتی به شوروی تسلیم کرد و در آن تأکید نمود که به هیچ کشوری پایگاه موشکی نخواهد داد. به‌دنبال این یادداشت و مذاکراتی که پس از آن انجام شد، روزنامه ایزوستیا اعلام کرد که اختلاف ایران و شوروی پایان یافته است. این توافق در واقع توافق آمریکا و شوروی در سطح ابرقدرت‌ها بود. (مدنی، ۱۳۸۹: ۲ / ۲۳۸) پس از رفراندوم ۶ بهمن، مسکو از اصلاحات شاه حمایت کرد و مخالفین را مرتجع نامید. وزیر خارجه رژیم شاه معتقد بود: «ترس از کمونیسم و امکان اشاعه افکار کمونیستی در ایران چیزی بود که همیشه فکر و عکس‌العمل‌های شاه را هدایت می‌کرد و در مذاکرات، همیشه به‌میان می‌آورد و روی آن سیاست خود را توجیه می‌نمود ... .» (خلعتبری، ۱۳۵۸: ۴۴) وی در جای دیگر در مورد ترس شاه از تجاوز شوروی می‌نویسد: «در این خصوص، به‌دستور شاه در حدود ده سال پیش به سفیران ایران در کشورهای غربی بخش‌نامه شد که نامه‌ای به‌عنوان سفیر آمریکا تهیه نمایند و در صندوق آهنی کارهای سری نگاهدارند تا اگر روزی از طرف شوروی به ایران تجاوز شد و تهران نتوانست اقدامی کند، سفیران ایران آن نامه به سفیر آمریکا را (در واشنگتن به وزیر خارجه آمریکا) تاریخ گذارده و امضا کرده و به مقصد بفرستند. این بخش‌نامه بار دیگر به‌دستور شاه سه سال پیش باز صادر گردید ...». (مهدوی، ۱۳۸۰، ش ۱۶: ۲۳۰)

ب) مواضع حضرت امام قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به اتحاد شوروی

حضرت امام از همان ابتدای نهضت اسلامی می‌توانستند مانند برخی از حرکت‌ها و جنبش‌های ضد امپریالیستی هم‌عصر خود، از حمایت یکی از قدرت‌های جهانی ـ به‌خصوص اتحاد شوروی ـ بهره‌مند شوند. ولی به‌خاطر ماهیت اسلامی و مردمی که این نهضت داشت، اتکای به قدرت لایزال الهی و همراهی ملت مسلمان ایران را بهترین پشتوانه در این راه می‌دیدند. برای همین هم در مواضع و سخنرانی‌های خویش بارها شوروی را مورد انتقاد قرار داده و ملت ایران را از نقشه‌های شوم شوروی برای نفوذ در ایران آگاه می‌ساختند که می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد:

۱. معرفی شوروی به‌عنوان یکی از مزاحمین نهضت اسلامی

حضرت امام گرفتاری دولت‌های استعمارگر ـ از جمله شوروی ـ به مشکلات درونی‌شان را فرصت مناسبی برای اوج گرفتن نهضت اسلامی می‌دانستند. برای همین در سخنرانی ۲۵ فرودین ۱۳۴۳ در مورد اوضاع مبهم سیاسی جهان این چنین می‌فرمایند:

> اوضاع جهان به‌طورکلی مبهم است، خروشچف می‌خواهد از پستش کناره‌گیری کند و اختلاف بین سران حزب کمونیست به وجود آمده. اختلاف بین چین و شوروی شدید شده و آمریکا گرفتار انتخابات و وضع داخلی خودش شده، و به‌طورکلی اوضاع مبهم است، و به همین جهت آقایان مرخص شدند و باید از این شرایط استفاده کرد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱ / ۲۸۵)

همان‌طور که می‌بینید ایشان شوروی را از همان ابتدای نهضت اسلامی به‌عنوان یک مانع و مزاحم برای رشد نهضت می‌دانستند و اختلافات درونی‌شان را فرصتی برای رشد نهضت اسلامی ارزیابی می‌کردند.

۲. انتقاد از عملکرد شوروی در جریان اعتراض به تصویب لایحه کاپیتولاسیون

حضرت امام خمینی بنیان مبارزه رهایی‌بخش خویش از سلطه استبداد داخلی و استعمار خارجی را بر پایه تفکر نفی سلطه کفار و اصل «نه شرقی نه غربی» قراردادند و در آغازین روزهای نهضت اسلامی، در سخنرانی خود علیه تصویب قرارداد ننگین کاپیتولاسیون ـ که از سوی آمریکا بر ایران تحمیل شده بود ـ این چنین فرمودند: «ای ملل اسلام، ای سران ملل اسلام، ای رؤسای جمهور ملل اسلامی، ای سلاطین ملل اسلامی، ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه آمریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار نداریم؟! آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر. اما امروز سروکار ما با این خبیث‌هاست». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱ / ۴۲۱)

حضرت امام با شدت بیشتری به استعمارگری و نفوذ و خباثت‌های شوروی اشاره می‌کنند و هیچ فرقی بین شوروی با دیگر دول استعمارگر قائل نیستند و حتی شوروی را بدتر از انگلیس و آمریکا هم می‌دانند. زیرا به خوبی می‌دانستند روس‌ها در جریان عهدنامه ترکمانچای چگونه برای اولین‌بار این ظلم را در حق ملت ایران روا داشتند، تا زمانی که مهروموم این قانون ظالمانه پابرجا بود، مستشاران روس رفتار زشتی با ملت ایران داشتند.

۳. معرفی شوروی به‌عنوان عامل حفظ موجودیت اسرائیل

در ۱۷ ماه مه ۱۹۴۸، اتحاد جماهیر شوروی، حکومت اسرائیل را ـ که سه روز پیش از آن تشکیل شده بود ـ به‌رسمیت شناخت. این کار که برای جنبش صهیونیسم، پیروزی بزرگی بود، به‌منزله به نتیجه رسیدن سال‌ها تلاش به حساب می‌آمد. نخستین تماس‌ها در آغاز سال ۱۹۴۱ در لندن برقرار شد. زمانی که اتحاد شوروی هنوز متحد آلمان نازی بود، خاییم وایزمن،[1] رئیس سازمان صهیونیسم جهانی، با ایوان مائیسکی،[2] سفیر اتحاد شوروی، دیدار کرد. درهمان دیدار نخست، آنان به طرح موضوع آینده فلسطین پرداختند و از آن زمان، اسرائیل از پشتیبانی سیاسی، نظامی و جمعیتی اتحاد شوروی و ژوزف استالین بهره برد. (کولایی، ۱۳۸۰: ۳ / ۷۳)

به‌همین خاطر حضرت امام در سخنرانی خود در سال ۱۳۵۱ در نجف، دست هر کدام از دولت‌های شرق و غرب را در تجهیز اسرائیل ـ بزرگ‌ترین دشمن جهان اسلام ـ به‌صورت کامل می‌دیدند. نمونه بارز آن، حمایت آشکار شوروی از موجودیت اسرائیل از همان بدو تأسیس این رژیم بود. امام خمینی حتی در زمان تبعید در نجف هم به‌دقت مسائل اساسی جهان اسلام را رصد می‌کردند و در همین راستا در سخنرانی خود در نجف در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۵۱ این چنین مسلمانان را از خطر شوروی و اسرائیل آگاه کردند:

> استعمار چپ و راست، دست‌به‌دست هم داده [و] برای نابودی ملت اسلام و کشورهای اسلامی کوشش می‌کنند. اسرائیل با تبانی و هم‌فکری دولت‌های استعماری غرب و شرق زاییده شد و برای سرکوبی و استعمار ملل اسلامی به وجود آمد، و امروز از طرف همه استعمارگران حمایت و پشتیبانی می‌شود. انگلیس و آمریکا با تقویت نظامی و سیاسی و با گذاشتن اسلحه‌های مرگبار در اختیار اسرائیل، و شوروی با جلوگیری از مجهز شدن مسلمانان و با فریب و خیانت و سیاست سازشکارانه، موجودیت اسرائیل را تضمین می‌نماید. اگر دوَل اسلامی و ملل مسلمان به‌جای تکیه به بلوک شرق و غرب به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی‌بخش قرآن کریم را نصب عین خود قرار داده و به‌کار می‌بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب فانتوم آمریکا و مقهور اراده سازشکارانه و نیرنگ‌بازی‌های شیطانی شوروی واقع نمی‌شدند. (امام‌خمینی، ۱۳۸۵: ۲ / ۴۰۱)

ایشان در این پیام، شوروی را عامل تقویت موجودیت اسرائیل و هم‌دست آمریکا در این شرارت‌ها می‌دانند و مسلمانان را به‌بیداری و دوری از اتکال به شرق و غرب فرامی‌خوانند.

٤. بدبینی و انتقاد از نظام کمونیستی حاکم بر شوروی

حضرت امام شعارهای کمونیستی سران شوروی را حربه‌ای برای بازی دادن مردم می‌دانند و از آن تعبیر به مخدر می‌کنند و

1. ChaimWeizman.
2. Ivan Maisky.

در ادامه این مطلب را گوشزد می‌نمایند که این سران به اصطلاح مردمیِ شوروی، به‌تنها چیزی که فکر می‌کنند، وضعیت طبقه زیرین جامعه است. ایشان در اواخر دی ماه ۱۳۵۶ به مناسبت فاجعه کشتار مردم قم در ۱۹ دی، می‌فرمایند:

> ... اینها همه برای بازی‌دادن مردم است، می‌خواهند مردم را نظیر کمونیستی ... کمونیستی یک مخدری است برای مردم. نه این است که یک چیزی، یک حلِ عقده‌ای می‌کند. مگر می‌شود کسی که خودش آدم نیست برای آدم‌ها کار بکند؛ ... مگر می‌شود کسی به مبادی غیبی اعتقاد نداشته باشد در فکر مردم باشد و در فکر اصلاحات؟ بازی است همه‌اش. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳ / ۳۰۳)

۵. هم‌سویی سیاست‌های شوروی و آمریکا از دیدگاه ایشان

ایشان در ماه‌های حساس اوج‌گیری نهضت اسلامی و مشرف به پیروزی انقلاب اسلامی، باز هم بدون هیچ ملاحظه‌ای مواضع خود را در قبال شوروی بیان می‌دارند و هرگونه شائبه ارتباط شوروی با نهضت اسلامی را نفی می‌کنند. ایشان در مصاحبه‌ای با لوسین ژرژ در پاسخ به این مسئله که در مقابل اتحاد شوروی که همسایه بزرگ ایران است، موضع و موقع شما چیست؟ بیان می‌کنند:

[در مقابل اتحاد شوروی که همسایه بزرگ ایران است، موضع و موقعِ شما چیست؟]

> همان موضع و موقعی که در قبال آمریکاست. ابرقدرت‌ها مردمِ ما را استثمار کردند. من فرقی میان آنها و حتی بین آنها و انگلیس هم نمی‌بینم. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳ / ۳۷۳)

یا در جایی دیگر در جواب مصاحبه‌کننده که از شوروی پرسید: [درباره شوروی چه فکر می‌کنید؟] فرمودند:

> شوروی از رژیم شاه حمایت می‌کند. حتی نمایندگانش در سازمان ملل از شاه دفاع کرده‌اند. شوروی چون آمریکا و انگلیس برای بلعیدن سرمایه‌های ایران دست به هر جنایتی زده و می‌زند. (همان: ۳۷۵)

۶. محکومیت حمایت شوروی از کشتار وحشیانه شاه

مقامات و تحلیل‌گران اتحاد شوروی، ماهیت قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را با سخت‌ترین انتقادات همراه ساختند. این مسئله، به نوعی بیان‌کننده رفتار عمل‌گرایانه تحلیل‌گران و مقامات سیاسی اتحاد جماهیر شوروی قلمداد گردیده، هدف آن، بازسازی همه‌جانبه روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم شاه بوده است. در نتیجه، اگر رژیم حاکم بر ایران، بخش گسترده‌تری از پایگاه اجتماعی و سیاسی خود را از دست می‌داد، طبعاً زمینه برای حل اختلافات و ستیزه‌های فراساختاری رژیم شاه با کشورهای دیگر فراهم می‌شد. به‌همین دلیل در سراسر این جریانات، روس‌ها همانند آمریکایی‌ها چشم برهم گذاشته و این حوادث را نادیده گرفتند. می‌توان تصور کرد که اگر این قیام، قبل از تعهد ایران مبنی بر عدم واگذاری پایگاه موشکی صورت گرفته بود، روس‌ها چه جنجالی برپا می‌کردند و رژیم را محکوم می‌ساختند؛ اما چون بعد از آن بود، مخالفان رژیم را به باد انتقاد گرفتند. روزنامه‌های شوروی نیز، قیام را به‌شدت محکوم ساخته و آن را با «هماهنگی نزدیک با کلیه عناصر ارتجاعی» به‌ویژه فئودال‌ها دانستند. برای نخستین‌بار در تاریخ معاصر ایران، دولت شوروی نقش خود را عوض کرده و تبدیل به حامی رژیم شاه شده بود. (روحانی، ۱۳۷۵: ۳ / ۵۱۵ ـ ۵۱۴)

امام خمینی در پیامشان به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۷ مردم را به‌دقت در مواضع دول استعمارگر دعوت و حمایت‌های سران این کشورها ـ از جمله شوروی ـ از جنایات شاه را به‌شدت محکوم کرده و اهداف آنان از این تأییدات را بیان می‌کنند:

> گول مبلغان استعمارگران را مخورید؛ یک نظر سطحی به وضع سران این‌گونه کشورها کافی است که شما را بیدار کند. دیروز دیدید که رهبر چین از روی نعش‌های عزیزان ما، که به دست دژخیمان شاه به جرم آزادی‌خواهی به خاک و خون کشیده شدند، گذشت و باکمال وقاحت رسماً از شاه پشتیبانی نمود. و آن هم شوروی و کرملین که چه در ۱۵ خرداد و چه امروز از کشتار عمومی شاه پشتیبانی کردند و می‌کنند. تمامی قدرتمندان کمونیست از خون ملت‌های مستضعف برای نابودی بشر، آلات قتاله تهیه می‌کنند، و آن هم آمریکا ـ جهان‌خوار بزرگ ـ که حالش بر همه واضح است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳ / ۴۸۳)

۷. اشاره امام به غارتگری منابع کشور توسط شوروی

در سال ۱۳۴۳ مناقصه ذوب‌آهن ایران در جراید مهم جهان اعلان و متعاقب آن پیشنهادهایی از سوی کشورهای صنعتی جهان تسلیم ایران شد. در این میان محمدرضا پهلوی برای اینکه دل قدرت شمالی ایران یعنی شوروی را به‌دست بیاورد و توازنی در اعطای امتیازات بهره‌برداری و غارت منابع ملت ایران، میان این دو ابرقدرت برقرار کند، پیشنهاد شوروی را به دیگر پیشنهادات ترجیح داد و پس از رفت و برگشت‌های هیئت‌های مذاکره‌کننده ایران و شوروی، بالاخره در ساعت ۱۱ صبح ۲۲ دی ماه ۱۳۴۴ قرارداد نهایی ذوب‌آهن ایران در مسکو به امضا رسید و علاوه بر آن در همان موقع قراردادهای دیگری مانند همکاری‌های فنی و اقتصادی ماشین‌سازیِ انتقال گاز منعقد شد. (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۳۵) حضرت امام که به‌دقت اتفاقات داخل ایران را رصد می‌کردند، به‌خوبی قصد شوروی از این قرارداد را درک و این خیانت شاه مخلوع را در جمع دانشجویان یادآوری کردند، ایشان در روز۲۳ مهر ۵۷ در جمع دانشجویان مقیم پاریس، با اشاره به غارتگری و سهم‌خواهی شوروی از منابع کشورمان، شرکت شوروی در طرح‌های گاز و ذوب‌آهن را توطئه‌ای برای ایجاد پایگاه دائمی در کشور دانستند.

> این ملت ضعیف چه بکند؟ «صنعتی می‌خواهیم بکنیم»! آقا صنعتی، قضیه صنعتی نیست، گول نخورید؛ قضیه ذوب‌آهن نیست، قضیه درست کردن مطلب نیست، قضیه پایگاه درست کردن برای شوروی است. می‌خواهند که عمال شوروی که اینجا می‌آیند، راحت بیایند و همه کارها را انجام بدهند. گاز ما را که دارند آنها می‌برند، نفت ما را هم که دارند آنها می‌برند، بعد نه گازی است و نه نفتی است و نه [درآمدی]، نه زراعتی است و نه هیچ چیز. این ملت باید چه بکند، معلوم نیست.) (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳ / ۴۹۵)

۸. انتقاد از سیاست دوگانه شوروی

این فرمایش حضرت امام در جواب دوگانگی در رفتار سیاسی دولت‌مردان شوروی ـ که در بحبوحه پیروزی انقلاب مواضع مبهم و دوپهلویی چه درباره ملت‌های مسلمان و چه درباره انقلاب ایران اتخاذ می‌کردند ـ که «شوروی نقش شترمرغ را دارد» بهترین تعبیری بود که حضرت امام در مورد شوروی بکار بردند. ایشان در مصاحبه با مجله آلمانی اشپیگل در پاسخ به سؤال خبرنگار که نظر ایشان را درباره حضور شوروی در کنفرانس اتحاد اسلامی جویا شده بود، بیان فرمودند:

> این‌گونه اجلاس‌ها به‌نام اسلام تشکیل می‌شود، اما هدف اسلامی ندارد و کسانی که به‌نام نماینده مسلمانان در این کنفرانس‌ها شرکت می‌کنند، فاقد نمایندگی مردم می‌باشند. شوروی نقش شترمرغ را بازی می‌کند. از سویی ضد مذهب اسلام است و آزادی مذهبی مردم مسلمان زیر سلطه را از میان برده است، از سوی دیگر نماینده این مردم مسلمان است! شوروی با روشی که در عمل پیش گرفته است و ملل مسلمان را به زیر سلطه خویش درآورده است، دیگر حتی شایستگی دعوی طرف‌داری از مظلومیت و مخالفت با استثمار را نیز ندارد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴ / ۳۶۰)

۹. آینده روابط ایران شوروی از منظر امام خمینی

خبرنگاران ضمن مصاحبه‌هایی که با حضرت امام داشتند، بسیار از ایشان در مورد روابط آینده ایران با شوروی می‌پرسیدند، که ایشان علی‌رغم دلسردی که به‌علت حمایت‌های شوروی از رژیم پهلوی داشتند، با این حال به‌صورت مشروط و با احترام متقابل و دوستی، راه را برای رابطه سیاسی باز نگه داشتند.

امام در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی دنیای سوم بیان داشتند: «در حال حاضر روسیه شوروی و چین، هر دو خود را با حمایت از شاه در صف مخالفین ملت ایران قرار داده‌اند. در آینده سیاست خارجی ما بر مبنای اصل حفظ آزادی و استقلال کشور و احترام متقابل خواهد بود. آنها با رعایت این اصل باید تصمیم بگیرند».

ایشان همچنین در پاسخ به خبرنگار اکونومیست، ضمن ایجاد رابطه براساس احترام متقابل فرمودند:

[نظر شما درباره اتحاد جماهیر شوروی و اقلیت‌های مسلمان در آسیای مرکزی چیست؟]

> اتحاد جماهیر شوروی هم یکی از کشورهایی است که منابع کشور ما را به تاراج می‌برد؛ او گاز ایران را می‌برد، او همیشه طرف‌دار شاه بوده است. ما به تمام اقلیت‌های مذهبی احترام می‌گذاریم، در هر کجا که باشند.

[سیاست شما نسبت به روسیه چیست؟ احساسات شما درباره مارکسیسم روسی چیست؟]

سیاست ما نسبت به روسیه مثل سیاست ما نسبت به آمریکا و سایر کشورهاست. ما براساس احترام متقابل به تمام کشورها احترام می‌گذاریم. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج۵: ۹۵)

بررسی مواضع حضرت امام در قبال اتحاد شوروی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

در این گفتار به بررسی مواضع و سیاست‌های حضرت امام خمینی در قبال قطب شرقی اتحاد شوروی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت. زمانی که نهضت اسلامی ملت ایران به رهبری مرجعی آگاه و حکیم مانند امام خمینی به‌ثمر نشسته و زمان آن فرارسیده بود که آرمان‌ها و اهداف این نهضت ـ که مبتنی بر اسلام ناب محمدی ﷺ است ـ در کشور اجرایی شود، از جمله در باب سیاست خارجی. حضرت امام تا قبل از انقلاب ـ به‌عنوان یک مرجع دینی و رهبر نهضت اسلامی ـ در مواضع مختلف بر اصل نفی حضور استعمارگران در کشور تأکید داشتند و بعد از انقلاب هم ـ به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی ـ این سیاست را به‌عنوان راهبرد و پایه سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران مدنظر قراردادند که همان اصل «نه شرقی و نه غربی» می‌باشد.

الف) جایگاه اصل «نه شرقی نه غربی» دراندیشه امام خمینی

از همان اولین روزهای انقلاب، رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی و مردم انقلابی. چارچوب سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی را در شعار «نه شرقی ـ نه غربی ـ جمهوری اسلامی» اعلام نمودند. براین اساس جمهوری اسلامی ایران نه وابسته به بلوک غرب و نه وابسته به بلوک شرق سابق بود. بلکه یک سیاست خارجی مستقل براساس ارزش‌ها و موازین اسلامی انتخاب کرد. اثرات عمیق اندیشه‌های امام تنها در بعد نظری و فکری ممهور نگردیده، بلکه در بعد عملی حتی مؤثرتر هم بوده است و توانسته معادلات موجود در نظام بین‌الملل را دگرگون ساخته و اعمال و رفتار و روابط موجود در سیستم‌های بین‌المللی و مقتضیات حاکم بر نظام بین‌الملل را به چالش کشاند.

امام توانسته جسارت و شهامت انتقاد کردن در برابر قدرت‌ها را به دیگر رهبران جهان و دیگر کشورها انتقال دهد و عملکرد نظام بین‌المللی را زیر سؤال ببرد. بر همین اساس بی‌دلیل نیست که دانشمندان مختلفی در جهان اسلام به بررسی و واکاوی سیاست‌های خارجی حضرت امام پرداخته‌اند تا به‌وسیله تبیین آن سیاست‌ها، راه عزت و سربلندی را به ملت‌های خود تبیین کنند. مانند دکتر لقمان بایماتوف اندیشمند بزرگ تاجیک که می‌گوید: مراجعه به افکار سیاسی امام خمینی به‌خصوص در مسائل اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در انتخاب و کاربرد کل برنامه‌های سیاست خارجی جمهوری تاجیکستان نسبت به ممالک اسلامی، نتیجه خوبی خواهد داد. وی در همین راستا و در باب تبیین اصل نه شرقی نه غربی در اندیشه امام، می‌گوید: «مفهوم نه شرقی و نه غربی تنها یک شعار سیاسی نیست، بلکه مفهومی فرهنگی و استراتژیک است که مقام رهبری تقریباً در کل عرصه‌های سیاسی و دولتی کشور ایران مطرح کرده است.» (بایماتف،۱۳۸۲: ۷۵) و یا در جای دیگر دکتر فتحی شقاقی درباب اندیشه سیاسی امام این چنین می‌گوید: «امام خمینی و انقلاب اسلامی او که مظهر روش و فکر ایشان بود، نمونه‌ای جدید از تمدن بشری ارائه کرد که پایان کار اندیشه‌های لائیک و همه دیگر انواع اندیشه‌هایی است که می‌خواستند جایگزین اسلام شوند». (شقاقی، ۱۳۹۰: ۱۱۲)

این شعار از لحاظ اهمیت، قلب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، بی‌سبب نیست که پیرامون نفوذ این شعار در مردم ایران، یکی از دانشمندان ایران چنین گفته است: «این شعار چنان نفوذی بر کل سیستم دارد که اگر آن را از سیستم حکومتی ایران حذف کنیم، ماهیت آن را قلب کرده‌ایم ...» (روزنامه همشهری: ۲۱ بهمن ۱۳۸۵ / مصاحبه) بنابراین علاوه بر آنکه شعار نظام است، استراتژی نظام نیز بر آن مبتنی است.

خطا نخواهد بود اگر بگوییم انقلاب اسلامی در ایران، تا حدی همین تناسب موجود را در صحنه روابط بین‌المللی ایجاد نمود و ایدئولوژی نه شرقی نه غربی، نیروهای سیاسی و ایدئولوژیک بود که به سیاست خارجی ابرقدرت‌هایی چون اتحاد شوروی و آمریکا تأثیر جدی گذاشت. سیاست خارجی آمریکا از روزی که انقلاب ایران به وقوع پیوست خیلی ساکن بود، یعنی از ابتدا تاکنون مخالف انقلاب ایران بوده و هست. اما در اتحاد شوروی نسبت به انقلاب اسلامی ـ در همان دوره‌ای

که انقلاب شده بود ـ فکر و عقیده یکسان نبود، یعنی نه‌تنها در رده‌های پایین دولتی بلکه در مقام رهبری شوروی نسبت به انقلاب اسلامی عقاید دگرگون می‌شد و تا مدتی ماهیت این واقعه بزرگ سیاسی و اجتماعی را در ایران درک نکرده بودند. (محمدی، ۱۳۶۶: ۴۶) حکومت جوان اسلامی ایران در مسائل و روابط بین‌الملل، برخلاف ایدئولوژی بلوک‌های شرق و غرب، ایدئولوژی جدید یعنی شعار نه شرقی و نه غربی را در جهان اعلام کرد و پیوسته در کار سیاست و دولت‌مداری اِعمال نمود. امام خمینی و یاران ایشان کوشش زیادی به خرج دادند تا حاکمیت اسلامی را نه‌تنها از تأثیر نیروهای بیرونی حفظ کنند بلکه آن را در سرتاسر ایران استوار کنند و هویت ملی را از دست نداده و درصحنه روابط بین‌المللی، تدریجاً خارج از تأثیر بلوک‌ها شوند. انقلاب اسلامی این اندیشه را تبلیغ کرده و می‌کند که اگر ملت خویش را بر سرزمین خود متکی و مستقر و معتقد به هویت ایرانی ـ اسلامی نکند، هویتی برایش باقی نخواهد ماند و اگر هویت نداشته باشد رابطه سلطه‌گران با او مثل رابطه گرگ و میش خواهد شد. (نوازانی، ۱۳۷۸، ش۴۲: ۶۴)

مقصود از ایدئولوژی نه شرقی و نه غربی آن بود که امام خمینی سلطه دیگران را نمی‌پذیرفت و امروز نیز شعار نه شرقی و نه غربی پابرجاست و این شعاری اساسی در ایدئولوژی سیاست خارجی حکومت ایران است.

ب) بررسی سیاست‌ها و مواضع حضرت امام خمینی در برابر اتحاد شوروی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

۱. دیپلماسی قوی و قاطع امام در دیدار با سفیر شوروی

ملاقات ولادیمیر وینوگرادف، سفیر اتحاد جماهیر شوروی با امام خمینی در ایران در روز پنجم اسفند ۱۳۵۷، هم برای روس‌ها و هم برای غربی‌ها حساسیت و اهمیت خاصی داشت. سخنان سنجیده و محکم امام خمینی در این دیدار، نمایشی از دیپلماسی قوی و قاطع برخاسته از روح دینی و اسلامی بود که پیش از این در دنیای دوقطبی، آن هم از سوی یک کشور ـ به اصطلاحِ غربی‌ها ـ جهان سومی هیچ‌گاه سابقه نداشته است.

امام خمینی از سال‌ها پیش و به‌خصوص در دوران اقامت در پاریس، بارها تصریح کرده بود که نظام آتی ایران یک نظام کاملاً اسلامی و غیروابسته و طرف‌دار سیاست «نه شرقی، نه غربی» خواهد بود.

بیانات امام خمینی در جریان دیدار سفیر شوروی (در نخستین روزهای پیروزی) بسیار قاطع و صریح و از موضع قدرت بود. سفیرِ یکی از دو قدرت بزرگ جهان، در حالی به دیدار امام آمده بود که در چند روز گذشته، حزب توده و سازمان فدائیان و دیگر کمونیست‌های ایران، دست به فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی و سیاسی و فرسایشی زده بودند تا جریان چپ را به‌عنوان یک جریان نیرومند در صحنه سیاست ایران مطرح کنند.

در این دیدار امام خمینی فرمودند:

> ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم. ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم. امروز مثل روزهای سابق نیست که یک نفر بر یک امت سلطه داشته باشد، و این یک نفر هم دست نشانده اجانب باشد، و بخواهند به مملکت ما با دست او خیانت و تجاوز کنند. ما از همه قدرت‌ها می‌خواهیم که در کشور ما، در امور داخلی کشور ما دخالت به هیچ وجه نکنند. در صورتی که دخالت نکنند، ما با همه روابط حَسَنه خواهیم داشت.
>
> ما با شما که همجوار ما هستید و فرسخ‌ها بین دو کشور مرز مشترک است، مایلیم که به‌طور مسالمت‌آمیز، به‌طور انسانی رفتار کنیم. و البته دولت ما هر طور که مصلحت بداند، در روابط اقتصادی، روابط تجاری و سایر اموری که مربوط به دولت است، عمل خواهد کرد.
>
> هرکس بخواهد معامله با ما بکند به‌طور عادلانه، البته دولت با مطالعات خودش انجام می‌دهد. و همین‌طور کسانی که از شوروی در اینجا اشتغال به کارهایی دارند، چه کارهای تجارتی یا صنعتی، آن مقداری که مخالفت با منافع ملت ما نداشته باشد و دخالت در امر داخلی ما نباشد، ما آنها را هم محترم می‌شماریم. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۶ / ۲۱۹)

۲. محکومیت اشغال افغانستان و پیش‌بینی شکست شوروی

در روز ۲۷ دسامبر سال ۱۹۷۹ میلادی، نیروهای ارتش شوروی به خاک افغانستان حمله کردند. افکار عمومی جهان در آن هنگام به دلیل تعطیلات کریسمس و سال نو، چندان به این حمله واکنش نشان نداد.

درپی کشته شدن نور محمد تره‌کی ـ عامل کودتای کمونیستی در افغانستان ـ به‌دست حفیظ‌الله امین، شوروی دریافت که امین فرد مناسبی برای حفظ منافع این کشور در افغانستان نیست. بنابراین ارتش شوروی به‌دستور لئونید برژنف ـ رهبر و دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی ـ و به این بهانه که دولت قانونی افغانستان از آنها کمک خواسته است، به خاک این کشور حمله کرد.

با دخالت مستقیم نیروهای نظامی شوروی در افغانستان، مبارزه مجاهدین افغانی با رژیم کمونیستی این کشور که از زمان کودتای نور محمد تره‌کی علیه دولت داودخان آغاز شده بود، ابعاد گسترده‌ای می‌گیرد و به یک جنگ تمام عیار مبدل می‌شود. (هروی، ۱۳۹۵: ۲۱)

حضرت امام در سخنرانی در جمع اساتید دانشگاه تهران، ضمن محکومیت اشغال افغانستان توسط شوروی، به سفیر شوروی این مطلب را فرمودند که شوروی به هیچ‌کدام از اهداف خود در به‌راه اندازی این جنگ نخواهد رسید و شکست خواهد خورد. این پیش‌بینی به مرور زمان محقق شد و زمینه زوال اتحاد شوروی را فراهم کرد.

> آن قوای شوروی وارد شد به افغانستان و حکومت را از بین برد، نه اینکه حکومت خواست او بیاید. به‌رغم حکومت، آنها آمدند و افغانستان را گرفتند و قبضه کردند.
> گفتم اگر شما خیال کنید که با سرنیزه بتوانید یک ملتی را خاضع کنید و استقرار هم پیدا بشود این اشتباه است. سرنیزه می‌تواند یک مردمی را سرکوب کند، بکشد، چه بکند، لکن نمی‌تواند مستقر باشد. ملت اگر یک چیزی خواستند، نمی‌شود به خلاف میل ملت همیشه یک کاری را انجام داد و شما همچو امیدی نداشته باشید که بتوانید استقرار پیدا کنید. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۳۱۵)

لازم به توضیح است که با اشغال افغانستان توسط شوروی، نهضت‌های آزادی‌بخش و اسلامی، مبارزه وسیع و دامنه‌داری با نیروهای اشغالگر آغاز کردند. جنگ بین نیروهای آزادی‌بخش و ارتش شوروی حدود ۹ سال به‌طول انجامیده و سرانجام، شوروی با سرافکندگی مجبور به فرار از افغانستان شد. ضربه‌ای که به حیثیت ابرقدرتیِ شوروی در افغانستان وارد شد، سبب آشکار شدن نابسامانی‌ها و ضعف‌های درونی این ابرقدرت گردید. این عوامل با سایر عوامل دست‌به‌دست هم دادند و سرانجام، ابرقدرت شرق را به اضمحلال کشاندند.

۳. اعلام ممنوعیت اشغال سفارت شوروی

در روز ۲ آذر ۱۳۵۸، سه هفته پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران و درحالی‌که زمزمه‌هایی مبنی بر تلاش برای تصرف سفارت شوروی به گوش می‌رسید، دفتر امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای هرگونه تلاش برای تسخیر سفارت همسایه شمالی را محکوم و آن را در راستای خواسته عوامل «سیا» اعلام کرد.

متن کامل این اطلاعیه بدین شرح بود:

> بسم الله الرحمن الرحیم. ملت شریف ایران! بار دیگر جاسوسان آمریکایی برای منحرف کردن افکار عمومی جهان از موضع قاطع شما ملت مبارز به توطئه تازه‌ای دست زده است. این بار با پخش اعلامیه‌هایی مردم را دعوت به اشغال سفارت شوروی نموده است. از ملت شریف می‌خواهیم تا به‌هیچ‌وجه، تحت تأثیر این دسیسه‌ها واقع نشوند که مطمئنم نمی‌شوند. امروز اشغال سفارتخانه‌ای در ایران خیانت به مبارزات برحق ضدآمریکایی مردم ماست. بار دیگر به ملت شریف و مبارز تذکر می‌دهیم که هرکس دست به چنین اعمالی بزند محکوم و از عوامل بی‌چون‌وچرای آمریکاست و مردم عزیز ایران هرگز به آنان اجازه چنین کاری را نمی‌دهند. قم، دفتر امام خمینی / ۲ آذر ۱۳۵۸. (روزنامه کیهان، ۳ آذر ۵۸)

بحث تسخیر سفارت شوروی از همان روزی که پیشنهاد تسخیر سفارت آمریکا ـ در جلسه مشترک نمایندگان دانشگاه‌های تهران ـ مطرح شد، در میان بود؛ دانشجویان طرف‌دار تسخیر سفارت شوروی اصالتاً ضد چپ بودند و بنابراین نه به دوقطبی کمونیسم و لیبرالیسم که به دوقطبی کمونیسم و اسلام می‌اندیشیدند و بر این اساس شوروی و چپ‌گرایان را دشمن اول می‌خواندند. این چنین بود که پیشنهاد آنها نیز تسخیر سفارت شوروی، و اولویت آن بر تسخیر سفارت آمریکا بود.

در روزهای پس از تسخیر اما ردپای تفکرات این طیف از دانشجویان در خیابان‌های اطراف سفارت به‌چشم می‌خورد. روزنامه‌های دیواری و شب‌نامه‌هایی که هرروز و شب روی دیوارهای سفارت جا خوش می‌کردند و میان مردم تقسیم می‌شدند، نشان از عزم برخی برای تسخیر سفارت شوروی پس از آمریکا داشت. (رحیمی، ۱۳۸۶، ش ۲۳: ۳۰)

این‌چنین بود که درپی گسترش چاپ و پخش بروشورها و دعوت‌نامه‌هایی که درپی تسخیر سفارت آمریکا به‌عنوان نماد امپریالیسم جهانی، مردم را به تسخیر سفارت شوروی به‌عنوان نماد کمونیسم در ایران دعوت می‌کرد، دفتر امام خمینی در ۲ آذر ۱۳۵۸ بیانیه‌ای در نفی و محکومیت این طرح منتشر کرد و نسخه این بحث را برای همیشه درهم پیچید.

البته حضرت امام این فکر که با بیرون کردن آمریکا از ایران جای پای شوروی در ایران مستحکم خواهد شد را نیز در بیانات خود رد کردند. در همین راستا در روز ۹ ـ آذر چند روز پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران به‌دست دانشجویان پیرو خط امام و حمایت ایشان از این عمل انقلابی ـ هفته‌نامه تایم در مصاحبه‌ای که با امام داشت، سعی در القای اشتباه بودن این کار داشت و خطر نفوذ بیش‌ازپیش شوروی را درپی این حادثه اعلام کرد که امام درجوابش این چنین فرمودند:

> ما ایالات متحده را از ایران بیرون انداختیم تا حکومت اسلام را برقرار نماییم. بیرون انداختن دولت آمریکا بدین معنی نیست که شوروی جایگزین آن شود. شعارهای مردم ما نشان دهنده این حقیقت است. آنان در تمام تظاهرات و مبارزاتشان فریاد می‌زدند نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی. اگر روزی شوروی ما را تحت فشار قرار دهد، ما با نیروی ایمان، با همان نیرویی که آمریکا را بیرون کردیم از عهده شوروی هم برخواهیم آمد. ما متکی به خدا و نیروی لایزال مردم هستیم. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۳۶)

٤. انتقاد امام از کمک‌های نظامی اتحاد شوروی به عراق

پس از تغییر اوضاع جنگ ـ در نتیجه فتح خرمشهر ـ و احتمال سقوط رژیم عراق، شوروی نیز همگام با دیگر کشورهای غربی، با واگذاری تجهیزات مدرن جنگی به عراق، بر میزان کمک‌های خود به این کشور افزود. در این راستا بغداد در فروردین ۱۳۶۳، میزبان یک هیئت بلندپایه از شوروی بود که پیشنهاد فروش چهار و نیم میلیارد دلار اسلحه را با خود داشت. عراقی‌ها از این بابت خرسند بودند چراکه این بزرگ‌ترین پیشنهاد فروش سلاح بود که تا آن زمان از سوی شوروی به عراق داده می‌شد. هیئت شوروی نیز که از میزان عصبانیت عراق به‌دلیل از دست دادن جزایر مجنون در عملیات خیبر آگاه بود، آمادگی خود را برای در اختیار قرار دادن میگ‌های ۲۱ و ۲۲، بالگردهای توپ‌دار و ۳۵۰ موشک اسکاد به رژیم بعث اعلام کرد. (کرمی، ۱۳۹۱: ۲۰۲)

امام امت در پیامی به سران شوروی تذکر می‌دهند که این کمک‌ها به صدام برای رسیدن به اهداف موردنظرشان در منطقه، خیالی بیش نیست و در واقع با این کمک‌ها راه را برای نفوذ بیشتر آمریکا در عراق و در منطقه باز می‌کند و این آمریکاست که آنان را نیز بازی داده است. ایشان دراین‌باره فرمودند:

> من گمانم این است که آمریکا، شوروی را هم بازی داده. شوروی الآن به عراق کمک می‌کند، در صورتی‌که عراق آمریکایی است، نه شوروی. کمک‌ها را از او می‌گیرد که به ایران صدمه وارد کند و راه را برای آمریکا باز کند، نه اینکه بخواهد راه را برای شوروی باز کند. آمریکا بازی داده این شوروی را، آنها اسلحه می‌دهند که برای آمریکا کار کنند. آنها خیال می‌کنند این اسلحه را که می‌دهند به نفع شوروی است، و حال آنکه نیست به نفع شوروی. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۲۰)

۵. نامه تاریخی امام خمینی به میخاییل گورباچف اتحاد جماهیر شوروی

امام خمینی در یازدهم دی ۱۳۶۷ هجری خورشیدی، هنگامه‌ای که همگان اتحاد جماهیر شوروی را به‌عنوان یکی از دو ابرقدرت بزرگ و مطرح جهان می‌شناختند و تصور فروپاشی آن را در سر نمی‌پروراندند؛ در نامه‌ای تاریخی به میخاییل گورباچف ـ آخرین رئیس جمهوری این کشور ـ با برشمردن نشانه‌های ازهم پاشیده شدن نظام مارکسیستی، مکتب اسلام و یکتاپرستی را به‌عنوان تنها راه نجات بشر عنوان کرد. پیام روشنگرانه امام خمینی به میخاییل گورباچف، بیانگر عمق بینش و تفکر معمار انقلاب نسبت به مسائل سیاسی و بین‌المللی است. تدوین و صدور نامه از طرف امام به‌طور ناگهانی و غافل‌گیرانه انجام شد و حتی مسئولان نظام تا قبل از تدوین نهایی نامه و مشخص شدن مأمورین ارسال آن، از اصل نامه

باخبر نبودند و کسی از محتویات تفصیلی آن نیز قبل از ابلاغ به گورباچف آگاه نبود. با توجه به محتویات نامه که حاکی از هشدار به گورباچف برای نزدیکی به غرب و بروز اتفاقات بعدی بود، برای نگارش این نامه می‌توان انگیزه‌های احتمالی را مطرح ساخت:

۱. انگیزه‌های سیاسی و دیپلماتیک؛ جلوگیری از روند تک قطبی شدن جهان، ناشی از حرکت نظام سیاسی روسیه به‌سمت غرب و نفوذ آمریکا و غرب در منطقه.

۲. انگیزه‌های حمایتی؛ حمایت از مسلمانان روسیه و جمهوری‌های آسیای میانه و ... که سال‌ها تحت فشارهای ضدمذهبی حکومت کمونیستی شوروی بودند. اساساً موضع‌گیری‌های امام خمینی بر مبنای سودگرایی نبود. اهداف امام فراتر از انگیزه‌های مادی و این جهانی و اکثر مواضع مهم ایشان، غافل‌گیرانه و غیرقابل پیش‌بینی بود.

بهترین تفسیر درباره انگیزه امام برای تدوین این نامه، توجه به چارچوب کلی نظریات امام در این حوزه در طول دوران انقلاب است. امام همواره از صدور انقلاب و دعوت جهانی به اسلام سخن می‌گفت که این نامه مهم‌ترین تجلی این نظریه امام است؛ انگیزه‌ای مبتنی بر اصول معنوی و به قصد هدایت. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۱۰)

محتویات نامه امام را می‌توان بدین شرح بیان داشت:

الف) مقدمه پیام

این بخش نشان‌دهنده اشراف امام به شخصیت، انگیزه‌ها و اهداف مدنظر گورباچف است. برای همین در قسمتی از این مقدمه، امام امت به گورباچف در راستای تحقق اهدافش چنین می‌فرمایند:

> اولین مسئله‌ای که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد، این است که در سیاست اسلاف خود، دایر بر «خدازدایی» و «دین‌زدایی» از جامعه که تحقیقاً بزرگ‌ترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد کرده است، تجدیدنظر نمایید. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۱۱)

ب) هشدار درمورد پناه بردن به غرب

> شما اگر بخواهید در این مقطع، تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه‌تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند. (همان: ۲۱۲)

این در حالی است که تحلیل‌گران سیاسی جهان، نگاهی خوش‌بینانه نسبت به حرکت شوروی به‌سوی غرب نداشتند و در تردید کامل، تنها نظاره‌گر تجدیدنظرطلبی و آغاز تحولات دنیای کمونیسم بوده و قادر به اتخاذ موضعی روشن نسبت به رخدادهای در حال انجام در بلوک شرق نبودند.

ج) دعوت به خدا و معنویت

> باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما، مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما، عدم اعتقاد واقعی به خداست؛ همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید. (همان: ۲۱۳)

این بخش از سخنان امام می‌تواند تجلی مبنایی شعار «نه شرقی نه غربی» باشد که هر دو را با عنوان مادی‌گرایی رد می‌کند و به اثبات راه الهی و معنوی می‌پردازد.

د) شکست مارکسیسم و کمونیسم و تکرار تذکرات

> برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چراکه مارکسیسم جواب‌گوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست، چراکه مکتبی است مادی و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت ـ که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است ـ به درآورد.

ایشان در ادامه، اهمیت زدودن باقیمانده‌های تفکر کمونیستی را به گورباچف گوشزد می‌نمایند:

> امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتادسال کژی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزدایید. امروز دیگر دولت‌های هم‌سو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می‌تپد، هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این، منابع زیرزمینی و روزمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم که صدای شکستن استخوان‌هایش هم به گوش فرزندانشان رسیده است، مصرف کنند. (همان: ۲۱۴)

این بیانات امام، در وهله اول نشان‌دهنده آگاهی امام از روند تحولات در بلوک شرق و حقیقت مستقر در آن است. حرکت چین، شوروی و دیگر بلوک شرق به‌سوی اصلاحات غربی، امری بود که بیشتر تحلیل‌گران شاهد آن بودند، ولی کسی جرئت و شجاعت تحلیل این موارد برای تجدیدنظر کامل شرق در اندیشه‌هایش را نداشت. امام به‌صراحت از شکست مارکسیسم به‌عنوان یک مکتب اعتقادی در جهان سخن می‌گوید و آن را در موزه‌های تاریخ می‌بیند. پیام ایشان، تمام عناصر لازم یک پیش‌بینی منحصر به فرد را داشت و درست در زمانی ارائه شد که هیچ‌کس، حتی خوش‌باورترین کارشناسان نظام سرمایه‌داری غرب، احتمال فروپاشی احتمالی کمونیسم را نمی‌دادند. (سه‌تلانی، ۱۳۸۸: ۱۳ / ۴۱)

امام در انتهای نامه با تأکید بر مذهب ـ به‌عنوان عامل پیروزی در برابر امپریالیسم ـ و قدرت آن، به گورباچف پیشنهاد می‌دهد که ایران می‌تواند خلأ اعتقادی کشورش را برطرف سازد.

گورباچف هشدار امام خمینی را جدی نگرفت و درنتیجه عواقب ناشی از این بی‌توجهی ـ همان‌گونه که در پیام ایشان پیش‌بینی شده بود ـ تحقق یافت و قدرت وی در دهه ۱۹۹۰ به نقطه پایان خود رسید. درها باز شدند و همه دولت‌های کمونیستی از میان رفتند. گورباچف با مشکلاتی که خود درپی اصلاحات به‌وجود آورده بود، مواجه شد. اتحاد شوری درپی تغییرات قطعی، معلق بود.

گورباچف در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی طی مصاحبه‌ای با خبرنگار واحد مرکزی خبر در مسکو از اینکه به هشدارهای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، ۳ سال قبل از فروپاشی شوروی بی‌اعتنایی کرده بود، اظهار تأسف کرد و گفت: «اگر ما پیشگویی‌های آیت‌الله خمینی را در آن پیام جدی می‌گرفتیم امروز قطعاً شاهد چنین وضعیتی نبودیم». (تسنیم / خرداد۹۰)

نتیجه

با توجه به آنچه در طول این پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفت: به این نتایج می‌توان دست یافت:

۱. با توجه به تاریخچه سیاست‌های شوروی در قبال ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که سران این کشور همیشه در روابط خود با ایران به‌دنبال اعمال نفوذ و مستحکم کردن پای خود در ایران در برابر نفوذ رقیبشان ایالات متحده آمریکا بوده‌اند. چه با استفاده از حزب توده برای ترویج عقاید مارکسیستی‌شان در ایران و چه با اشغال نظامی ایران که ارمغانی جز ناامنی، فقر و بدبختی برای ملت ایران نداشت. در ادامه نیز حمایت از سرکوب‌های محمدرضا پهلوی برای به‌دست آوردن امتیازات بهره‌برداری از معادن و ثروت ملت ایران، همگی بر این مطلب صحه می‌گذارد که شوروی نیز مانند انگلیس و آمریکا به‌دنبال استعمارگری و استثمار ملت ایران بوده است و هیچ‌گاه در این رابطه اصل احترام متقابل و رابطه برابر رعایت نشده است.

۲. حضرت امام خمینی چه قبل از انقلاب به‌عنوان یک مرجع دینی و چه بعد از انقلاب اسلامی به‌عنوان رهبر یک حکومت اسلامی هیچ‌گاه نظر مساعدی نسبت به اتحاد جماهیر شوروی نداشتند. با توجه به سوابق استعمارگرایانه شوروی و ضررهایی که از رابطه ایران با شوروی عاید ملت ایران شد، ایشان شوروی را نیز مانند آمریکا می‌دانستند که این امر در بیشتر فرمایشاتشان مشهود بود که شوروی نیز همانند آمریکاست. این سیاست برمی‌گردد به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی ایشان که همان اصل عدم تعهد و عدم اتکا به قدرت‌های مادی و شیطانی است که بعدها تحت عنوان اصل نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی متبلور شد و سیاستمداران ما بر همین اصل حرکت می‌کنند و ما می‌بینیم که مواضع سیاست‌های ایشان نیز همیشه بر همین اصل استوار بوده است چه قبل از پیروزی انقلاب و درخلال نهضت اسلامی درحالی‌که می‌توانستند از حمایت‌های شوروی در برابر نفوذ آمریکا در دستگاه حاکمه پهلوی به‌نفع خود

استفاده کنند، و چه در برابر مزاحمت‌های آمریکا برای انقلاب اسلامی، هیچ‌گاه به شوروی روی خوش نشان نداده و کمک‌های الهی و حمایت‌های ملت ایران را بهترین حمایت از انقلاب می‌دانستند.

۳. از بررسی سیاست‌های امام به این نکته نیز دست می‌یابیم که مادامی که اتحاد شوروی از در دوستی و احترام متقابل وارد می‌شد، امام امت منعی را در رابطه با شوروی نداشتند، که این نکته در بیانات ایشان در جواب پیام‌های رهبران شوروی به ایشان و همچنین در مصاحبه‌های ایشان قبل و بعد انقلاب ـ که در جواب خبرنگاران که از رابطه با شوروی می‌پرسیدند و ایشان به شرط عدم دخالت در امور داخلی ایران منعی در این رابطه نمی‌دیدند ـ مشهود و متبلور می‌باشد.

۴. در مورد نامه تاریخی امام خمینی به گورباچف و انگیزه ایشان از ارسال این نامه تحلیل‌های زیادی شده، از جمله انگیزه‌های سیاسی و دیپلماتیک و جلوگیری از روند تک قطبی شدن جهان و یا انگیزه‌های حمایتی از مسلمانان روسیه و جمهوری‌های آسیای میانه و ... که سال‌ها تحت فشارهای ضدمذهبی حکومت کمونیستی شوروی بودند؛ ولی اساساً اهداف امام فراتر از انگیزه‌های مادی و این جهانی و اکثر مواضع مهم ایشان، غافل‌گیرانه و غیرقابل پیش‌بینی بود. از این‌رو، نمی‌توان رفتار امام را با محاسبه‌های مادی سنجید. این مسئله برای مفسران داخلی به‌قدری در دوره حیات امام تکرار شده است، که گاه باعث می‌شود در تحلیل‌ها کمتر به آن توجه شود. بهترین تفسیر درباره انگیزه امام برای تدوین این نامه، توجه به چارچوب کلی نظریات امام در این حوزه در طول دوران انقلاب است. امام همواره از صدور انقلاب و دعوت جهانی به اسلام سخن می‌گفت که این نامه مهم‌ترین تجلی این نظریه امام است، انگیزه‌ای مبتنی بر اصول معنوی و به‌قصد هدایت جامعه بشری درراه دست یافتن به کمال حقیقی.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، طاهر، ۱۳۸۹، ***تاریخ روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی ۱۳۴۵ ـ ۱۳۲۵***، تهران، انتشارات وزارت خارجه.

۲. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، ***صحیفه امام***، ۲۲ ج، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۳. بایماتوف، لقمان، ۱۳۸۲، ***انقلاب اسلامی از دیدگاه محققان شوروی***، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸٤، ***بنیان مرصوص امام خمینی***، قم، نشر اسراء.

۵. ***خبرگزاری تسنیم***، خرداد ۱۳۹۰، مصاحبه گورباچف با واحد مرکزی خبر.

۶. خجسته رحیمی، رضا، آبان ۱۳۸٦، «۳۰ سال پیش احمدی نژاد»، ***هفته نامه شهروند امروز***، شماره ۲۳.

۷. خلعتبری، عباسعلی، ۱۳۵۸، ***پرونده محاکمات در دادگاه انقلاب***.

۸. روحانی، سید حمید، ۱۳۷۵، ***بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی***، ج ۳، قم، دارالفکر.

۹. ***روزنامه کیهان***، ۳ آذر ۱۳۵۸.

۱۰. ***روزنامه همشهری***، ۲۱ بهمن ۱۳۸۵، مصاحبه با مرتضی نبوی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۱۱. سه‌تلانی، فرهاد، ۱۳۸۸، «تحلیل نامه امام خمینی به گورباچف»، ***فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی***، شماره ۱۳.

۱۲. شقاقی، فتحی، ۱۳۹۰، ***امام خمینی تنها گزینه***، تهران، انتشارات اطلاعات.

۱۳. عطارزاده، مجتبی، ۱۳۷۸، «بررسی روابط ایران و شوروی در دوره حاکمیت کمونیسم»، ***مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ۲۷.

۱۴. کرمی، جهانگیر، ۱۳۹۱، ***شوروی و جنگ ایران و عراق***، تهران، انتشارات صفحه جدید.

۱۵. کولایی، الهه، ۱۳۸۰، «اتحاد شوروی و اسرائیل، روابط و جهت‌گیری‌ها»، ***فصلنامه مطالعات خاورمیانه***، شماره ۳.

۱۶. مدنی، سید جلال، ۱۳۸۹، ***تاریخ سیاسی معاصر ایران***، ج ۲، ۱۳۷۸، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

۱۷. محمدی، منوچهر، ۱۳٦٦، ***اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران***، تهران، امیرکبیر.

۱۸. مهدوی، هوشنگ، ۱۳۸۰، «ارزیابی سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی دوم»، ***فصلنامه علوم سیاسی***، شماره ۱٦.

۱۹. نوازانی، بهرام، ۱۳۷۸، «تبیینی برنه شرقی نه غربی»، ***ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر***، شماره ۴۲.

۲۰. هروی، تابش، ۱۳۹۵، ***تهاجم و شکست شوروی در افغانستان***، تهران، نشر المهدی.